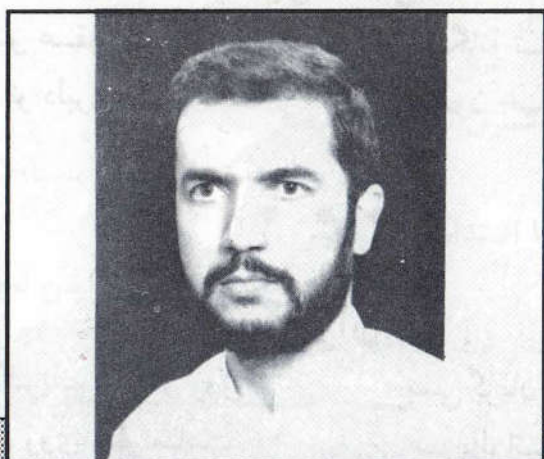




سفر کردگان کوی عشق

یادی از شهید حجة الاسلام محمدعلی شهبازی

هر از گاهی در آسمان عشق و ولا، ستاره‌ای می‌درخشد و تا رهپویان راه سیاه شب، راه از چاه بجویند، خود ره صد ساله را به طرفه‌العینی پیموده است. شهید محمدعلی شهبازی روحانی رزمنده‌ای بود که به اعتراف استاد ایشان، حضرت آیه‌الله مؤمن شیرازی، «اگر خدا عمری به ایشان داده بود، از مجتهدان اعلم و مسلم جامعه می‌گردید.»

وی در خانواده‌ای مذهبی و مانوس با قرآن چشم به جهان گشود. پدر مرحوم این شهید تنها معلم قرآن روستای «شهراب» بود که بدون استثنا، چندین نسل روستا به همت او قرآن آموخته‌اند. شهید شهبازی، که دومین شهید خانواده است، پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، از سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه آشتیان وارد شد. وی از محضر استادان گرانقدری هم چون حضرات آیات و حجج اسلام مؤمن شیرازی، اعتمادی، ستوده و سپس خارج فقه را از محضر حضرات آیات مکارم شیرازی، تبریزی و دیگران استفاده نمود.

با شروع درگیری‌های داخلی از سوی منافقان، بلافاصله به سنگر دفاع از کیان اسلامی پیوست و در جبهه‌های کردستان به نبرد پرداخت، اما با این وجود، هیچ‌گاه درس را فراموش نکرد. او می‌گفت: «باید از فرصت استفاده کرد.» به همین دلیل، در سال‌های بعد، که مدت حضورش در جبهه بیش‌تر ضروری می‌نمود، برای عقب نماندن از درس، از نوارهای درسی استفاده می‌کرد.

در سال ۱۳۶۴ در یکی از جبهه‌های جنوب در بمباران شیمیایی دشمن بعثی، مجروح شد و از آن پس با ۶۰٪ جانبازی روزگار را سپری می‌کرد. با آن‌که در اوایل، بیماری‌های ایشان چندان ظهوری نداشت، ولی به تدریج، آثار شیمیایی در ایشان بیش‌تر آشکار گردید. ولی با این حال، از درس دست بردار نبود و با جدیت تمام، به تحصیل و تحقیق می‌پرداخت. در این مدت، ایشان توانست آثار ارزنده‌ای را به جامعه اهل

علم تقدیم نماید. صرف نظر از برخی مقالات پراکنده، کتاب **صیانة القرآن** آیه الله محمد هادی معرفت را تحت عنوان **مصونیت قرآن از تحریف** ترجمه نمود، با مؤسسه آیه الله ناصر مکارم شیرازی همکاری مستقیم داشت و کار تصحیح مجلداتی از تفسیر نمونه را انجام داد، با مجموعه آثار آیه الله محمد تقی مصباح نیز قریب مدت دو سال همکاری نمود که حاصل آن تدوین جلد اول کتاب **حقوق و سیاست** و جلد دوم این کتاب از آثار معظم له به همت ایشان است، هم چنین با توجه به این که بیش از هشت سال در سطح خارج فقه و اصول و مدت چهار سال در رشته تخصصی تفسیر در حوزه به تحصیل پرداخته بود، در صدد نگارش پایان نامه تحصیلی مقطع معادل دکترا بود. رساله ایشان برای این منظور کتاب **مسارع الشیعه** تألیف شیخ مفید رحمته الله بود که ایشان قریب ۸۰٪ آن را به فارسی ترجمه نموده است.

تقیّد او به رعایت مسائل شرعی نیز ستودنی بود و به محض رسیدن وقت نماز، بلافاصله کارهای خود را تعطیل می کرد. با آن که نمی توانست در جماعت حاضر شود، در مواردی که مهمانی در منزل ایشان بود، سعی می کرد از فیض اقامه نماز جماعت بهره مند شود.

هم رزم او نقل می کند: در سال ۱۳۵۹، با شروع درگیری های منافقان، شهید شهبابی از جمله کسانی بود که ما را در سفر به کردستان همراهی کرد. در مریوان، در عملیاتی پیروزمندانه موفق به تصرف قلّه «قوج سلطان» شدیم. پس از پیروزی و در حین تخلیه شهدا و مجروحان، در میان اجساد عراقی ها، پیکر مجروحی را یافتیم. شهید شهبابی گفت: هر طور شده، باید این مجروح عراقی را به مریوان برسانیم. گفتم: این چه حرفی است؟ ما بالای تپه هستیم، هیچ وسایلی در اختیار نداریم. اما ایشان گفت: وظیفه ماست که در این حالت به او کمک کنیم. به هر صورت بود، تخت روان (برانکارد) شکسته ای پیدا کردیم و او را برداشتیم تا از تپه پایین بیاوریم. چندین بار با مجروح عراقی از بلندی های تپه به پایین غلتیدیم، اما ایشان دست از کار خود برنداشت و به هر صورت که بود، او را به بیمارستان مریوان رساندیم، تا او از مرگ حتمی نجات پیدا کرد.

در جبهه مریوان، شبی سیل آمد و هم سنگرهای عراقی ها را برد و هم سنگرهای نیروهای خودی را. صبح که شد، شهید شهبابی آمد و گفت: الآن چون عراقی ها سنگر ندارند به راحتی می شود آن ها را قتل عام کرد، اما شهادت اسلامی چنین اجازه ای نمی دهد. بهتر است تا فرصت داریم کار دیگری انجام دهیم. به او گفتم چه کنیم؟ گفت: شما که سلمانی گری بلدی بیا و سر رزمنده ها را اصلاح کن. الآن تکلیف تو همین است. من هم دست به کار شدم و شروع به اصلاح سر بچه ها کردم. پس از هر مورد اصلاح، شهید شهبابی نیز برای بچه ها حدیث می خواند و آن ها را به رشادت بیشتر و اخلاق اسلامی دعوت می کرد.

از شهید شهبابی دو یادگار عزیز - زینب و حسین - به جای مانده اند که امیدواریم ادامه دهندگان راه سرخ پدرشان باشند. یادش گرامی باد. *

* با تشکر از برادران عزیز، محمد حسین مجاهدی و محمد تقی رستمیان هم رزمان و هم درسان شهید شهبابی که ما را در تهیه این متن یاری نمودند.